



کمیسیون حقوق بشر اسلامی

استقلال قضائی

در متون بین المللی حقوق بشر

و منتهی به تدوین اصول مبنائی استقلال دستگاه قضائی گردید، قدردانی به عمل آمده است.

در قطعنامه، با در نظر گرفتن میثاق‌های بین‌المللی حقوق مدنی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی که اجرای حقوق مذکور را مورد تضمین قرار داده اند، تأکید بر تضمین بیشتری از بهره برداری از حقوق شده است و بیان می‌دارد که حق هر شخصی است که اگر مورد محاکمه قرار گیرد، باید بدون تأخیر غیر ضروری باشد.

و با توجه به اینکه هنوز مباحثی میان نگرشهای مختلف راجع به اصول و وضعیت واقعی وجود دارد:

۱- اصول مبنائی راجع به استقلال دستگاه قضائی مذکور در ضمیمه قطعنامه حاضر را مورد تصویب قرار می‌دهد.

۲- اصول مبنائی برای اقدام و اجرای ملی، منطقه‌ای و بین منطقه‌ای با مد نظر قرار دادن اوضاع و احوال فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و شرایط هر کشور مورد توصیه قرار می‌دهد.

۳- از دولتها می‌خواهد که اصول مذکور را در چارچوب قانونگذاری ملی شان و در اجرای آنها مورد توجه قرار داده و بدان احترام گذارند.

۴- همچنین از کشورهای عضو می‌خواهد که اصول مبنائی را به نظر قضات، وکلا، اعضای قوه مجریه و مقتنه و عموم مردم برسانند.

۵- از کمیسیون‌های منطقه‌ای، موسسات بین منطقه‌ای و منطقه‌ای در زمینه پیشگیری از جرم و نحوه برخورد با متخلفین، موسسات تخصصی و سایر هویتهایی که در سازمان ملل متحد فعال هستند و در شورای اقتصادی، اجتماعی هستند، می‌خواهد که در اجرای اصول مبنائی فعال باشند.

۶- از کمیته پیشگیری و کنترل جرایم می‌خواهد که اجرای قطعنامه حاضر را به عنوان یک اولویت مورد ملاحظه قرار دهد.

۷- از دبیر کل سازمان ملل می‌خواهد که به نحو مقتضی و در جهت تضمین بالاترین حد ممکن اشاعه اصول مبنائی، گام‌های موثری را بردارد.

۸- از دبیر کل سازمان ملل خواسته می‌شود که

لازم می‌داند که استقلال سیستم قضائی توسط دولت به رسمیت شناخته شده و در قانون اساسی با قوانین کشور مزبور درج گردد.

دستگاه قضائی ملزم است که به هر فرد، این امکان را بدهد که از طریق دادخواهی و دادرسی عادلانه، علنی، مستقل و بی طرف، به موجب اصول مذکور در اعلامیه جهانی حقوق بشر (ماده ۱۰)، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی-سیاسی (ماده ۱۴) و سایر اسناد بین‌المللی بهره‌مند گردد. وجود یک دستگاه قضائی مستقل، جزء لاینفکی برای اجرای حق مزبور می‌باشد.

هفتمین کنگره سازمان ملل متحد در مورد پیشگیری از جرم و نحوه برخورد با متخلفین؛

با در نظر گرفتن بیانه کاراکاس (caracas) که توسط

ششمین کنگره سازمان ملل در مورد پیشگیری از جرم و نحوه برخورد با متخلفین به اتفاق آراء اتخاذ شد و توسط مجمع عمومی به موجب قطعنامه ۱۷۱/۳۵-۵

پانزدهم دسامبر ۱۹۸۰ مورد تأیید قرار گرفت و با توجه به قطعنامه ۱۶ مصوب ششمین کنگره سازمان ملل در

مورد پیشگیری از جرم و نحوه برخورد با متخلفین که به موجب آن کنگره از کمیته پیشگیری و کنترل جرایم در خواست نمود که تهیه اصول راهنمای راجع به

استقلال قضات را در اولویتهای خود قرار دهد و با یاد آوری تصمیم شورای اقتصادی و اجتماعی به شماره

۱۵۳/۱۹۸۴/۲۵ مه ۱۹۸۴ که به موجب آن، شورا، جلسه مقدماتی بین‌المللی راجع به تدوین استانداردها و موازین سازمان ملل در مورد عدالت کیفری را فراخواند

تا پیش نویس اصول راهنمای راجع به استقلال قضائی که توسط کمیته پیشگیری و کنترل جرایم در جلسه هشتم خود تهیه نموده بود، رانهایی سازند و همچنین از دبیر کل سازمان ملل درخواست نمود که متن نهایی خود را

به هفتمین کنگره جهت تصویب ارائه نماید، در این قطعنامه، از کمیته پیشگیری از جرم و نحوه برخورد با متخلفین در وازنای ایتالیا از ۲۴ سپتامبر ۱۹۸۵ تشکر و قدردانی گردید. همچنین از مباحثات گسترده‌ای که در خلال هفتمین کنگره سازمان ملل در مورد پیشگیری از جرم و نحوه برخورد با متخلفین که نسبت به پیش نویس اصول راهنمای استقلال دستگاه قضائی انجام پذیرفت

یکی از دستاوردهای مهم هفتمین کنگره سازمان ملل در خصوص پیشگیری از جرم و نحوه برخورد با متخلفین که در میلان ایتالیا از تاریخ ۲۶ اوت الی ۶ سپتامبر ۱۹۸۵ برگزار گردید، اتخاذ اصول مبنائی راجع به استقلال دستگاه قضائی» بود. در قطعنامه مزبور، - که در ذیل خواهد آمد- شرکت کنندگان، یک اقدام بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی را توصیه نمودند و از کمیته پیشگیری و کنترل جرایم خواستند که اجرای موثر توصیه‌های مزبور را بعنوان یک اولویت مورد بررسی قرار دهد. همچنین کنگره از دبیر کل سازمان ملل متحد خواست که اقدامات موثری را برای تضمین بالاترین حد ممکن اشاعه اصول مبنائی بکار گرفته و گزارشی در مورد چگونگی اجرای آنها تهیه نماید. مجمع عمومی سازمان ملل در قطعنامه ۱۴۶/۴۰، ۱۳ دسامبر ۱۹۸۵ از اصول مبنائی استقبال نمود و حکومتها را به رعایت اصول و مد نظر قرار دادن آنها در چارچوب قانونگذاری ملی خودشان و همچنین عمل به آنها، فراخواند.

شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد، با توجه به کمیته پیشگیری و کنترل جرائم، از کشورهای عضو خواست که در طی هر دوره پنج ساله (از ابتدای ۱۹۸۸) مراحل پیشرفت حاصله در اجرای اصول مبنائی را به دبیر کل اطلاع دهند. (قطعنامه ۱۰/۱۹۸۶، ۲۲ مه ۱۹۸۶) قطعنامه مزبور در بر دارنده اطلاعاتی در خصوص چگونگی توجه کشورها به اصول مبنائی و مشکلاتی که حکومتها در مرحله اجرا در قلمرو ملی، با آنها مواجه شده‌اند و مساعدتهایی که احتمالاً از سوی جامعه بین‌المللی بدانها می‌تواند انجام پذیرد، بود. مجمع عمومی در قطعنامه ۱۴۹/۴۱، ۴ دسامبر ۱۹۸۶ حقوق بشر در دستگاه قضائی را مورد تأکید قرار داده و

گزارشی راجع به اصول مبنایی تهیه نماید.
۹- از دبیر کل سازمان ملل خواسته می شود که در صورت تقاضای کشورهای عضو در اجرای اصول مبنایی به آنها مساعدت نموده و به طور منظم به کمیته پیشگیری و کنترل جرایم گزارش دهد.
۱۰- از همه ارکان ملل متحد مربوط به موضوع قطعنامه حاضر می خواهد که بدان توجه نمایند.

ضمیمه

اصول مبنایی استقلال دستگاه قضائی

نظر به اینکه در منشور ملل متحد، مردم جهان فی نفسه تصمیماتشان را برای ایجاد شرایطی که تحت آن شرایط، عدالت قابل حصول بوده، در جهت همکاری بین المللی باشد و پیشبرد احترام به حقوق بشر و آزادیهای اساسی را بدون هیچ تبعیضی حاصل کند مورد تأکید قرار می دهند.

نظر به اینکه اعلامیه جهانی حقوق بشر به طور خاص برابری در مقابل قانون و اصل مفروض بودن بی گناهی (برائت)، و حق برخورداری از دادرسی عادلانه، علنی و مستقل و بی طرف بودن محکمه قضائی تثبیت شده توسط قانون را بیان داشته است و با توجه به اینکه

اصل استقلال دستگاه قضائی

تشکیلات قضائی را مستحق و ملزم

به تضمین روند عادلانه رسیدگی

قضائی و احترام به حقوق طرفین

دعوی می سازد

سازمان و دستگاه قضائی در هر کشور می بایست الهام گرفته از اصول فوق الذکر بوده و تلاش شود که آن اصول کاملاً به واقعیت پیوندند و نظر به آنکه قواعد مربوط به اجرای رسالت قضائی با این هدف می باشد که قضاوت قادر به عمل بر اساس اصول مذکور باشند و با توجه به آنکه قضاوت نسبت به تصمیم نهایی راجع به حیات، آزادی، حقوق، و وظایف و اموال شهروندان مسئول تلقی می شوند.

و نیز با عنایت به آنکه کنگره ششم ملل متحد راجع به پیشگیری از جرم و نحوه برخورد با متخلفین به موجب قطعنامه ۱۶ خود، از کمیته پیشگیری و کنترل جرایم خواست که در میان اولویتهایش، تهیه اصول راهنمای استقلال قضاوت و نحوه انتخاب و آموزش تخصصی آنها و وضعیت قضاوت و بازپرسان و قضاوت تحقیق را قرار دهد، بنابراین مقتضی است که ابتدائاً به نقش قضاوت در رابطه با سیستم قضائی و همچنین اهمیت گزینش، آموزش و رفتار آنها توجه شود.

اصول مبنایی ذیل در جهت مساعدت به کشورهای عضو در انجام وظیفه تضمین و پیشبرد استقلال دستگاه قضائی تهیه شده اند و توسط دولتها، هم در چارچوب قانونگذاری ملی و هم در مرحله اجرا مورد ملاحظه قرار خواهند گرفت و همچنین به نظر قضاوت، حقوقدانان، اعضای قوه مجریه و مقننه و عموم مردم می رسند. اصول تدوین شده اساساً قضاوت حرفه ای professional

(gudges)) را مد نظر دارد. اگر چه همچنین بطور برابر، عندالاقضاء هر جا که قضاوت غیر حرفه ای نیز وجود داشته باشند نسبت به آنها نیز شمول دارد.

استقلال دستگاه قضائی

۱- استقلال دستگاه قضائی می بایست توسط دولت مورد توجه قرار گرفته و در قانون اساسی یا قوانین عادی کشور درج گردد. وظیفه همه دولتها و موسسات است که به استقلال دستگاه قضائی احترام نهاده و آن را مورد عنایت قرار دهند.

۲- دستگاه قضائی می بایست در مسائل مطروحه نزد خود به نحو بیطرفانه و بر مبنای محتویات (facts) و به موجب قانون، بدون هر گونه تزیین و نفوذهای ناصحیح، اغواها، فشارها، تهدیدها، مداخله های مستقیم یا غیر مستقیم تصمیم گیری نماید.

۳- دستگاه قضائی، صلاحیت بر همه موضوعات دارای ماهیت قضائی را خواهد داشت و اقتدار انحصاری برای تصمیم گیری در مورد اینکه آیا یک موضوع مطروحه نزد آن به نحو تعریف شده در قانون در صلاحیت آن دستگاه می باشد یا نمی باشد را داراست.

۴- هر گونه مداخله ناخواسته و غیر مقتضی نسبت به روند قضائی نباید وجود داشته باشد و تصمیمات قضائی توسط دادگاهها نمی بایست تابع بازبینی باشند. این اصل جدای از مرور (تجدیدنظر) قضائی یا تخفیف یا فسخ مجازاتها توسط مقامات صالحه قضائی منطبق بر قانون می باشد.

۵- هر شخص این حق را داراست که بهره مند از محاکم یا دیوانهای معمولی (Ordinary or tribunals) مطابق با رویه های حقوقی تثبیت شده باشد. دیوانهایی که رویه های ثبت شده مقتضی مربوط به روند حقوقی را به کار نمی برند (یعنی رویه خاص جهت رسیدگی دارند) نمی بایست برای اجرای صلاحیت متعلقه به محاکم معمولی یا دیوانهای قضائی ایجاد شوند.

۶- اصل استقلال دستگاه قضائی، تشکیلات قضائی را مستحق و ملزم به تضمین روند عادلانه رسیدگی قضائی و احترام به حقوق طرفین دعوی می سازد.

۷- وظیفه هر کشور است که منابع لازم برای قادر ساختن دستگاه قضائی برای اجرای صحیح کارکردهایش را فراهم سازد.

« آزادی بیان و انجمن »

۸- مطابق اعلامیه جهانی حقوق بشر اعضای دستگاه قضائی، مشابه سایر شهروندان، از آزادی بیان، اعتقاد، انجمن و تشکیل اجتماع برخوردارند. مشروط بر اینکه در اجرای حقوق مزبور به نحوی رفتار نمایند که حیثیت شغلی خود و بی طرفی و استقلال دستگاه قضائی محفوظ بماند.

۹- قضاوت، برای ایجاد و یا پیوستن به انجمن های قضاوت و یا سایر سازمانهایی که نماینده منافعشان می باشد در جهت پیشبرد آموزش حرفه ای و حمایت از استقلال قضائی شان آزاد می باشند.

۱۰- اشخاصی که برای شغل قضائی برگزیده می شوند، می بایست افرادی توانا با آموزش مقتضی

و کیفیتهای مذکور در قانون باشند. نحوه انتخاب جهت کار قضائی می بایست به نحوی این تضمین را فراهم سازد که انتصابهای قضائی با انگیزه های ناصحیح وجود نداشته باشد. در گزینش قضاوت هیچ تبعیضی نباید بین اشخاص بر اساس نژاد، رنگ، جنس، مذهب، دیدگاه سیاسی و یا سایر دیدگاههای ملی یا اجتماعی، اموال، تولد یا وضعیت او وجود داشته باشد بجز یک اقتضاء که کاندید بست قضائی باید تبعه کشور مربوطه باشد و این تبعیض آمیز تلقی نمی گردد.

۱۱- مدت اشتغال قضاوت، استقلال آنها، امنیت، حقوق مناسب، شرایط خدمت و حقوق سن بازنشستگی می بایست به نحو مقتضی بر اساس قانون تضمین شده باشد.

۱۲- قضاوت اعم از اینکه منتصب باشند یا منتخب، دوره خدمتشان، سن بازنشستگی یا انقضای مدت اشتغالشان (در صورت وجود چنین امری) تضمین خواهد شد.

۱۳- ارتقاء قضاوت بر اساس هر سیستمی باید مبتنی بر فاکتورهای عینی بخصوص از حیث توانایی، درستی و تجربه باشد.

۱۴- ارجاع بر روندها به قضاوت در دادگاهی که در آن اشتغال دارند، جزء امور داخلی دستگاه قضائی می باشد.

۱۵- دستگاه قضائی نسبت به امور مورد پیگیری خود، لازم است مقید به رازداری حرفه ای و حفظ اطلاعات محرمانه ای که در جریان وظایفشان به آنها پی برده باشد و مجبور به اظهار نمودن مسائل مزبور نمی باشد.

تأدیب و تعلیق انتقال

۱۶- اتهام یا شکایت علیه قاضی در مورد صلاحیت حرفه ای و قضائی اش می بایست به نحو مناسب و عادلانه و مبتنی بر روندی مطلوب مورد رسیدگی قرار گیرد. قاضی حق بهره مندی از دادرسی عادلانه را دارد. بررسی مسئله در مرحله بدوی، محرمانه و محفوظ خواهد بود مگر اینکه به نحو دیگری توسط خود قاضی درخواست شود.

۱۷- تعلیق یا انتقال قضاوت فقط به دلیل عدم صلاحیت یا رفتاری که آنها را برای اجرای وظایفشان نامناسب می سازد، تحقق خواهد یافت.

۱۸- همه روندهای رسیدگی مربوط به توبیخ، تعلیق یا انتقال می بایست مبتنی بر استانداردهای تثبیت شده در رفتارهای قضائی باشد.

۱۹- تصمیمات در مورد توبیخ، تعلیق و یا انتقال، تابع بازنگری مستقل می باشد. این اصل ممکن است نسبت به تصمیمات بالاترین محکمه یا مواردی که مورد اعتراض قوه مقننه می باشد یا روندهای مشابه اعمال نگردد.

مأخذ: